

ParsBook.Org

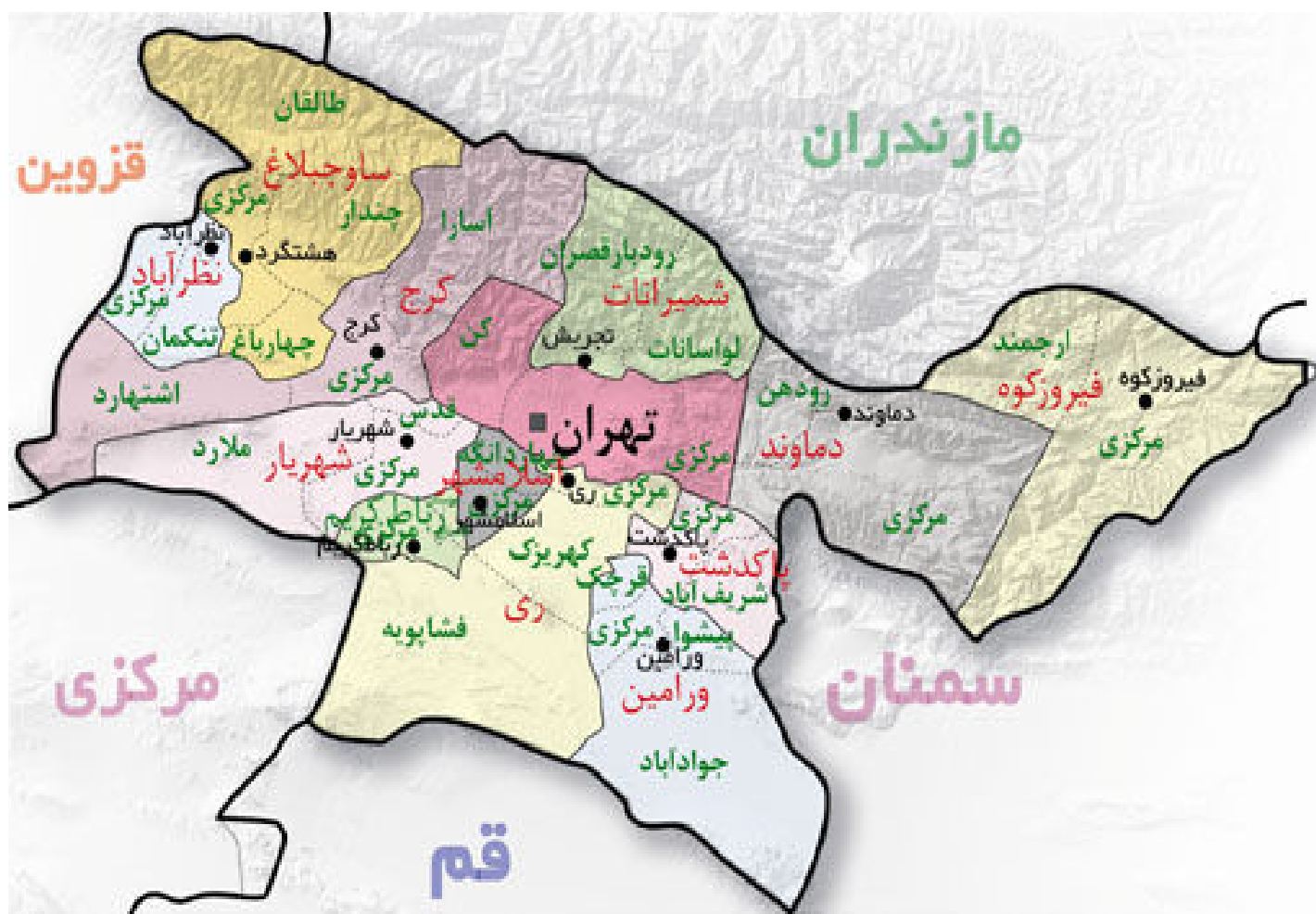
پارس بوک، بزرگترین کتابخانه الکترونیکی فارسی زبان

ParsBook.Org



The Best Persian Book Library

استان تهران





محیط طبیعی

موقعیت و وسعت

استان تهران با وسعتی حدود ۱۸۸۱۴ کیلومتر مربع بین ۳۴ تا ۳۶/۵ درجه عرض شمالی و ۵۰ تا ۵۳ درجه طول شرقی واقع شده است. این استان از شمال به استان مازندران، از جنوب به استان قم، از جنوب غرب به استان مرکزی، از غرب به قزوین و از شرق به استان سمنان محدود است.

ناهمواری‌ها

استان تهران در جنوب شرقی مرکز رشته کوه‌های البرز که در شمال ایران از آذربایجان تا خراسان با جهت غربی - شرقی کشیده شده، قرار دارد. رشته کوه‌های البرز به سه دیواره تقسیم می‌شود:

۱. دیواره شمالی: ارتفاعات محدودی از این دیواره در استان تهران و بقیه آن در استان مازندران قرار دارد.
۲. دیواره میانی: حد شمالی استان را تشکیل می‌دهد و مرتفع ترین قسمت رشته کوه‌های البرز مرکزی است. کوه دماوند و قله آن به ارتفاع ۵۶۷۱ متر در این قسمت قرار دارد. قله دماوند نهمین قله مرتفع دنیا به شمار می‌رود. این دیواره عظیم کوهستانی به صورت کوه‌های «کندوان» و پس از آن کوه‌های «طالقان» در شمال غربی استان، تا محل اتصال رود «الموت» به «طالقان رود»، ادامه می‌یابد. در شمال شرقی نیز این دیواره با نام رشته ارتفاعات فیروزکوه و سوادکوه تا دره رود فیروزکوه (شعبه اصلی

حبله‌رود) که از جنوب دامنه‌های شرقی آن می‌گذرد، امتداد می‌یابد. در شرق دره فیروزکوه که پس از دریافت شعباتی حبله رود نامیده می‌شود، ارتفاعات «شهمیرزاد» شروع می‌شود.

۳- دیواره جنوبی: سومین بخش از ارتفاعات مرکزی است که رودخانه‌های جاجرود و کرج آن را بریده و به سه قسمت جدا از هم تقسیم نموده است. این سه قسمت عبارتند از:

- کوه‌های لواسانات که بین دره‌های رود دماوند و جاجرود قرار دارند و در شمال به دره «رود لار» محدودند. دنباله این کوه‌ها در شرق جاده آب علی به نام قره داغ و دماوند تا دره حبله رود امتداد یافته‌اند.

- کوه‌های شمیرانات که بین سرچشمه‌های جاجرود و کرج قرار دارند و بلندترین نقطه آنها قله توچال با ارتفاع ۳۹۴۳ متر است.

- کوه‌های کهار که از غرب دره رودخانه کرج شروع شده و در جنوب طالقان رود به موازات آن ادامه دارند.

علاوه بر این سه دیوار کوهستانی، در جنوب و شرق دشت تهران کوه‌هایی با ارتفاع کم‌تر وجود دارند که مهمترین آنها کوه‌های حسن‌آباد و نمک در جنوب و بی‌بی‌شهربانو و القادر در جنوب شرقی و ارتفاعات قصر فیروزه در شرق است.

آب و هوا

در نواحی مختلف استان تهران به علت موقعیت ویژه جغرافیایی، آب و هوای متفاوتی شکل گرفته است. سه عامل جغرافیایی در ساخت کلی اقلیم استان تهران نقش مؤثری دارند:

کوپر یا دشت کویر: مناطق خشک مانند دشت قزوین، کویر قم و مناطق خشک استان سمنان که مجاور استان تهران قرار دارند، از عوامل منفی تأثیرگذار بر هوای استان تهران هستند و موجب گرما و خشکی هوا، همراه با گرد و غبار می‌شوند.

رشته کوه‌های البرز: این رشته کوه‌ها موجب تعدیل آب و هوا می‌شود.

بادهای مرطوب و باران زای غربی: این بادهای نقش مؤثری در تعدیل گرمای سوزان بخش کویری دارند، ولی تأثیر آن را خنثی نمی‌کنند.

استان تهران را می‌توان به سه بخش اقلیمی زیر تقسیم کرد:

اقلیم ارتفاعات شمالی: بر دامنه‌های جنوبی، بلندی‌های البرز مرکزی، در ارتفاعی بالای ۳۰۰۰ متر قرار گرفته و آب و هوایی

مرطوب و نیمه‌مرطوب و سردسیر با زمستان‌های بسیار سرد و طولانی دارد. بارزترین نقاط این اقلیم، دماوند و توچال است.

اقلیم کوهپایه: این اقلیم در ارتفاع دو تا سه هزار متری از سطح دریا قرار گرفته و دارای آب و هوایی نیمه مرطوب و سردسیر و

زمستان‌هایی به نسبت طولانی است. آب‌علی، فیروزکوه، دماوند، گلندوک، سد امیرکبیر و دره طالقان در این اقلیم قرار دارند.

اقلیم نیمه خشک و خشک: با زمستان‌های کوتاه و تابستان‌های گرم، در ارتفاعات کمتر از ۲۰۰۰ متر واقع شده است. هر چه ارتفاع کاهش می‌یابد، خشکی محیط بیشتر می‌شود. ورامین، شهریار و جنوب شهرستان کرج در این اقلیم قرار گرفته‌اند. هوای تهران در مناطق کوهستانی دارای آب و هوای معتدل و در دشت، نیمه‌بیابانی است. تهران در مرز شرایط جوی بری و اقیانوسی قرار گرفته و تمایل آن به موقعیت بری بیشتر از وضعیت اقیانوسی است.

منابع آب

وجود رودخانه‌های دائمی مانند رودخانه کرج، رودخانه جاجرود، رود لار، حبله رود، رود شور یا ابهررود و طالقان رود موجب شده تا استان تهران از لحاظ منابع آب کمبودی نداشته باشد. بیشترین رودخانه‌های استان از کوه‌های البرز سرچشمه می‌گیرند. در استان تهران قنات‌های متعددی وجود داشته که در گذشته نه چندان دور در تأمین آب مورد نیاز مناطق شهری و روستایی سهم بسزایی داشته‌اند. لیکن امروزه با استفاده از امکانات آب لوله کشی که از سدهایی چون امیرکبیر، لتیان و لار تأمین می‌شود، آب قنات‌ها و چشمه‌ها فقط برای کشاورزی و آبیاری مصرف می‌شود و فقط بعضی چشمه‌ها، به ویژه چشمه‌های آب‌معدنی که بیشتر در شمال شرقی استان متمرکزند، اهمیت سابق خود را حفظ کرده‌اند. مهم‌ترین این چشمه‌ها عبارتند از: چشمه اعلا دماوند، چشمه قلعه دختر، چشمه آب علی هراز، چشمه وله در گچسار، چشمه شاه دشت کرج، چشمه علی در شهرری، چشمه تیزآب، چشمه گله گیله و....

پیشینه تاریخی

استان تهران در گذر زمان

منطقه تهران که در شمال غرب فلات مرکزی ایران قرار گرفته از زمان‌های دور و ادوار پیش از تاریخ منطقه‌ای مسکونی بوده و ردپای فرهنگ‌های پیش از تاریخی را در گوشه و کنار آن میتوان سراغ گرفت. بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی از یک سده قبل تا به امروز بسیاری از مراکز فرهنگی در دشت تهران را مشخص و معلوم ساخته و نشان می‌دهد که این دشت حداقل از نیمه دوم هزاره دوم (عصر آهن) تا به امروز مسکونی بوده است. از زمانی که شهر تهران در سال ۱۲۰۰ هـ.ق توسط آقامحمدخان قاجار به پایتختی ایران برگزیده شد تا به امروز حوادث بی شماری را به خود دیده است. نگاهی می‌اندازیم به تهران تاریخی از گذشته‌های دور تاکنون:

ری: ری یکی از نقاط باستانی ایران با آثاری از هزاره‌های چهارم و پنجم قبل از میلاد است. درباره پیدایش شهر باستانی ری، مانند دیگر شهرهای باستانی، افسانه‌های متفاوتی وجود دارد. بنای آن گاه به شیث بین‌آدم (ابوالبشر) نسبت داده می‌شود که منوچهر آن را از نو ساخته است و گاه به هوشنگ پسر کیومرث.

واژه ری به صورت (RAGHA) در وندیداد، فرگود اول، یسنا ۱۹، پاره ۱۸ و (RAGA) در سنگ نبشته بیستون و به صورت ((RAGES, (RHAGEIA), (RHAGA), (RAGAU), RHAGOE)) راگس و راجس و (RAI) سریانی، (RE) ارمنی، و بصورت ((RAGH, RAI)) پهلوی آمده است. در کتاب عهده عتیق کتاب دوم پادشاهان، باب ۱۷، بند ۶ و باب ۱۸، بند ۱۱ از ری یاد شده است و نیز نام ری در آثار یونانی و لاتین و سنگ نبشته‌های باستانی (کتیبه داریوش بزرگ) بر جای مانده است.

نام ری از دوره ساسانیان به بعد بر این شهر گذاشته شد و مردم با آمدن سپاهیان اسلام به دین اسلام گرویدند. در دوره اسلامی ری پناهگاه فرمانداران بنی‌امیه بود. بر پایه اسناد و مدارک تاریخی، با آن که شهر ری بر اثر زلزله‌هایی چند (چون زلزله ۲۳۶ ق / ۸۵۰ یا ۸۵۱ م) ویران شد و یورش ترکان نیز بر آن آسیب‌های فراوان وارد آورد، همچنان پایدار ماند. ری در سال ۶۱۷ هـ ق مورد حمله وحشیانه مغولان قرار گرفت و علاوه بر قتل‌عام مردم بناهای آن نیز با خاک یکسان شد. ری اندکی بعد از آن دوباره رو به آبادانی گذاشت و بار دیگر در سال ۷۸۶ هـ ق به وسیله سپاهیان تیمور به ویرانه‌ای بدل شد و از آن به بعد روی آبادانی به خود ندید.

ورامین: علاوه بر تپه‌ها و محوطه‌های تاریخی مربوط به قرون پیش از میلاد، آثار فراوانی از قرون هفتم و هشتم هـ ق در این شهرستان دیده می‌شود. آبادانی ورامین پس از ویرانی ری توسط مغولان و تیموریان شروع شد. مردم ری پس از خرابی این شهر به ورامین نقل مکان کردند. این شهر همواره یکی از مراکز تجمع شیعیان بوده است. ورامین امروزه یکی از شهرهای بزرگ استان تهران به شمار می‌رود و به عنوان یکی از شهرک‌های اقماری مطرح بوده است.

کرج: این شهرستان در غرب شهر تهران قرار گرفته و دارای آثار تاریخی بسیار است. آبادانی و توسعه کرج در دوره قاجار و پس از آن صورت گرفت. کاخ سلیمانیه نیز به دستور فتحعلی شاه در آنجا ساخته شد.

دماوند: در کتیبه شاپور و کتیبه پایکولی از زمان نرسی (۲۹۳-۳۰۲ م) از ساتراپ‌های دماوند نام برده شده است. چند دهه قبل نزدیک شهر دماوند دو ظرف سفالین قرمز رنگ بدون پایه به طور اتفاقی به دست آمد، قسمتی از ظرف به شکل سر گوزن بود و نیز در همین مکان دو سکه از فرهاد دوم (۱۳۸ پ.م) و مهرداد دوم (۸۸-۱۲۳ پ.م) اشکانی کشف شد. همچنین روی یک مهر

ساسانی که در دماوند کشف شد، نام دماوند حک شده است. این مهر اکنون در موزه کلکته نگهداری می‌شود. در متون اسلامی نیز نام این محل به صورت دماوند آمده است. شاهنامه فردوسی را می‌توان در شمار اسناد قدیمی که از دماوند نام برده است، به شمار آورد. فردوسی بارها از این شهر در شاهنامه نام برده و کوه دماوند را آشیانه سیمرغ، آموزنده زال پدر رستم دانسته است. دماوند در سال ۳۰ هـ.ق در زمان خلافت عثمان به دست مسلمانان فتح شد.

تهران: تاریخ افسانه‌ای تهران به «شیت بن آدم» و «هوشنگ پیشدادی» می‌رسد. در عهد ساسانیان کیش زرتشت در ری رواج یافت و چندین آتشگاه بزرگ در شمال و جنوب تهران ایجاد شد. آتشگاه نخستین قصران در فاصله ۳۰ کیلومتری مرکز تهران رو به روی یکی از ارتفاعات کوه توچال قرار داشت.

در فرهنگ آندراج آمده است: «شهر تهران در قسمت جنوبی شهر حالیه تهران بنا شده و خانه‌های پستی داشتند که شبیه به غار ولی به تدریج از طرف شمال توسعه یافت و منازل را بیشتر به سرچشمه قنوات نزدیک کرده‌اند.»

در کتاب «تهران عصر ناصری» آمده است: تهران قبل از قرن شش هـ.ق یکی از روستاهای ناچیز و کم‌اهمیت بود و شهر ری که تقریباً در شش کیلومتری تهران قرار داشت، کانون عظیم تمدن و فرهنگ قدیم این خطه به شمار می‌رفت. تا این که با هجوم ویرانگر مغول، جنگ‌های داخلی، کشمکش‌های مذهبی و تفرقه اندازی‌های فرقه‌های مذهبی و... ری رو به ویرانی نهاد. در کتاب «عجایب البلدان» آمده است: تهران قریه‌ای است معظم و ولایت ری دارای باغات زیاد به اشجار و ثمرات خوب و فراوان و سکنه در خانه‌های سرداب مانند به سر می‌برند که هر قدر محصور بودندشان امتداد یابد به سبب کثرت آذوقه که از فرط احتیاط ذخیره کرده‌اند آسوده‌اند... و دائماً به سلطان عصر یاغی و با عساکر او در کارزار و زد و خوردند، مالیات خود را به مسکوک نمی‌پردازند، بلکه در عوض نقود رایج خروس و مرغ می‌پردازند.

تا حمله مغول، هنوز هم تهران به صورت قریه‌ای نه چندان معتبر باقی مانده بود و مانند دیگر قراء ری، زیر نظر خوارزمشاهیان اداره می‌شد. «یاقوت حموی» سیاح بزرگ عرب هنگام فرار از دست مغولان در سال ۶۱۷ هـ.ق از این قریه یاد کرده است. با سکونت اهالی ری پس از زلزله‌های متناوب و نیز حمله مغولان، تهران به تدریج از شکل روستا بیرون آمد و به شهرکی تبدیل شد که دارای چهار امامزاده و چند بقعه متبرکه بود. به عنوان اولین امامزاده‌های تهران باید از امامزاده زید، یحیی، اسماعیل و سیدنصرالدین نام برد. در این دوره کشاورزی و باغداری توسعه پیدا کرد و این امر نظر مهاجمان و ساکنان روستاهای اطراف تهران را به خود جلب کرد. این وضع تا پایان دوره‌های ترکمانان و اوایل صفویه دوام یافت.

تهران دوره صفویه: این دوره از حیات شهر تهران، از زمان شاه تهماسب صفوی (۹۴۸-۹۳۰ هـ.ق) آغاز می‌شود. در این زمینه دکتر ناصر تکمیل همایون در کتاب تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران آورده است: شاه تهماسب صفوی که به دلیل مدفون بودن جد اعلای صفویان - امامزاده حمزه - در جوار حضرت عبدالعظیم بارها از قزوین به زیارت این اماکن مقدسه می‌رفت، نخستین بار در سال ۹۴۴ هـ.ق از قریه آباد تهران دیدار کرد و از آن خوشش آمد و به شکارگاه های آن علاقه‌مند شد و چندین بار در سفرهای خود در آن قریه اقامت گزید.

او سرانجام در سال ۹۶۱ هـ.ق دستور داد در پیرامون تهران که ۶۰۰۰ گام محیط آن بود، بارویی با یکصد و چهارده برج (به عدد سوره‌های قرآن مجید) بنا کنند و در هر برج سوره‌ای از کلام‌الله را برای تبرک پنهان سازند. برج‌ها با فاصله منظم از یکدیگر به این شرح پدید آمد: سمت جنوبی ۴۰ برج، سمت شمالی ۳۱ برج، سمت غرب ۲۲ برج و سمت شرق ۲۱ برج.

تهران ابتدا از نظر وسعت اندکی بزرگتر از چند شهر آن روزگار بود و از چهار طرف دروازه‌هایی به این شرح داشت:

× جنوب: دروازه اصفهان یا دروازه حضرت عبدالعظیم در مدخل کنونی بازار عباس‌آباد، خیابان مولوی.

× شمال: دروازه شیمران در مدخل کنونی خیابان پامنار.

× غرب: دروازه قزوین در مدخل کنونی بازارچه قوام‌الدوله، میدان شاهپور سابق.

× شرق: دروازه دولاب در مدخل کنونی بازارچه نایب‌السلطنه خیابان ری.

شاه تهماسب علاوه بر آبادانی تهران، باغ‌ها و بناهای حکومتی متعددی بنا کرد. پس از مرگ شاه تهماسب، جانشین او شاه اسماعیل دوم نیز توجه خاصی به تهران داشت.

تهران تا پایان سلسله صفویه رو به ترقی و توسعه داشت. با حمله افغانه به ایران و سقوط شهر اصفهان با تمام عظمت و هیبت آن، شاه سلطان حسین نیز به قتل رسید و افغان‌ها حکومت را در دست گرفتند.

تهران در دوره تسلط افغان‌ها: در این دوره اگرچه پاره‌ای از مناطق ایران تسلیم ایرانیان شرقی (قندهاری و کابلی و...) شده بود،

اما شهرهایی هم در دفاع از سلطنت صفویه مقاومت نشان دادند؛ از جمله تهران که اندک اندک به صورت یکی از مناطق

برجسته نظامی درمی‌آمد. شاه تهماسب دوم، جانشین پادشاه مقتول، در سال ۱۱۳۷ هـ.ق از همین شهر «احمدخان تفنگچی» را

نزد «فتح‌علی‌خان قاجار قوئللو» به استرآباد فرستاد و از او برای مقابله با افغان‌ها مدد خواست. تهران و قزوین در برابر افغان‌ها

مقاوم بودند. اشرف افغان که پس از فتح اصفهان به سوی شمال حرکت کرده بود، از راه قم خود را به تهران رساند و در حوالی

ابراهیم‌آباد میان دو لشکر افغان و فتح‌علی‌خان قاجار که به مدد شاه تهماسب با جنگجویان ایل به تهران آمده بود، نبرد سختی

در گرفت. در این کشمکش‌ها تهران آسیب فراوان دید و سرانجام به دست افغان‌ها افتاد. آنها در ارگ تهران جای گرفتند و برای جلوگیری از حمله احتمالی مردم شهر روی خندق شمال ارگ پل بستند و جلوی آن دروازه‌ای ایجاد کردند.

پس از قدرت‌گیری نادرشاه در سپاه شاه‌تهماسب، خاصه پس از تاج‌گذاری وی، موقعیت تهران دگرگون شد. در دوره سرداری نادر سرانجام افغان‌ها مجبور به ترک تهران شدند.

تهران دوره افشاریه: پس از پایان غائله افغان و آغاز زمامداری نادرشاه، تهران همچنان در راه توسعه گام برمی‌داشت. با آن که در این دوره پایتخت ثابتی وجود نداشت و مرکزیت حکومتی و اداری هم در اصفهان نگه‌داشته شده بود، تهران برای نادرشاه اهمیت نظامی یافت و توجه او به تهران به گونه‌ای بود که در سال ۱۱۵۲ هـ.ق فرزند ولیعهد خود رضاقلی‌میرزا را به حکومت تهران مأمور کرد و تمام ولایت به تیول وی درآمد.

تهران دوره زندیه: با غلبه زندیان و پیروزی کریم‌خان زند بر محمدحسن خان قاجار و فتح تهران در سال ۱۱۷۲ هـ.ق کریم‌خان زند در تهران به سلطنت رسید. در این دوره اندک رونقی در اوضاع و احوال تهران پدید آمد. کریم‌خان زند برای آبادانی تهران کوشش‌های بسیار کرد. دو محله بزرگ به نام‌های عودلاجان و چال میدان از ترکیب محله‌های کوچک سابق به وجود آمد و بیشترین جمعیت شهر را در خود جای داد. کاروانسراها، دکان‌ها و محل کار بازرگانان و پیشه‌وران در بخشی متمرکز شد و به مرور بازار تهران پدید آمد.

کریم‌خان به علت درگیری و کشمکش با محمدحسن خان قاجار و کاستن حمایت ترکمن‌ها از محمدحسن خان، مجبور شد به شیراز برود. از این رو در سال ۱۱۷۶ هـ.ق حکومت تهران را به غفورخان واگذار نمود و پایتخت را از تهران به شیراز منتقل کرد. اهمیت تهران از همین زمان شروع شد. در پایان دوره زندیان تهران سیمای شهری یافت و از زمانی که لشکریان قاجاریه به سرکردگی «مجنون خان پازوکی» آن را گشودند (۱۱۹۹ هـ.ق) به صورت شهری کامل جلوه گر شد.

تهران دوره قاجاریه: در سال ۱۲۰۰ هـ.ق آقامحمد خان قاجار این شهر جدیدالتأسیس را که تا آن زمان جنبه نظامی داشت، به پایتختی انتخاب نمود و به نوشته اعتمادالسلطنه، پس از تحکیم پایه‌های حکومت خود در سال ۱۲۰۹ هـ.ق رسماً در این شهر تاج‌گذاری کرد. از این زمان نهادهای حکومتی در تهران استقرار یافت.

آقامحمدخان بر خلاف دیگر پادشاهان، علاقه چندانی به ساخت بناهای عظیم و باشکوه نداشت. به طوری که از زمان وی تنها عمارت تخت مرمر باقی مانده است. جمعیت شهر تهران را در این دوره ۲۵۰۰۰ نفر تخمین زده‌اند.

پس از آقامحمدخان فتحعلی‌شاه (۱۲۱۲-۱۲۶۵ هـ.ق) بناها و عمارت‌های جدید در تهران ساخت؛ توسعه و تزئین عمارت تخت مرمر، احداث تخت مرمر در وسط میدان، مسجد شاه، مسجد عزیزالدوله و مدرسه مروی و چندین باغ از جمله باغ نگارستان از این جمله است.

در این دوره بسیاری از زمین‌های داخلی شهر به مرور به خانه، قصر و بنای دولتی و سفارتخانه و... تعلق گرفت. در دوره محمدشاه با آوردن آب کرج به تهران و تثبیت مالکیت زمین و بالا رفتن مهاجرت‌ها، آبادانی شهر چشمگیر شد.

در زمان محمدشاه احداث بناهای جدید همچنان ادامه داشت. ضلع جنوبی مسجد جامع تهران و بازار بین این مسجد و مسجد شاه - «بین‌الحرمین» - از آثار این دوره است. در جنوب تهران نیز دروازه دیگری به نام دروازه محمدیه در میدان «پاقاپوق محمدیه» یا میدان اعدام ساخته شد. دروازه دیگری نیز که افغان‌ها به نام دروازه ارگ یا دروازه دولت در مدخل خیابان «باب‌همایون» ساخته بودند، مرمت و بازسازی شد.

در دوره حکومت ناصرالدین شاه، جمعیت تهران حدود ۱۵۰۰۰۰ نفر بود. همراه با گسترش شهر تهران، ناصرالدین شاه، «میرزا یوسف مستوفی‌الممالک» صدراعظم و «میرزا عیسی» وزیر را مأمور طراحی نقشه شهر تهران کرد.

در این دوره به سبب اداره کشور و سازمان دهی درست، به دستور میزراتقی‌خان امیرکبیر محله ارگ با کوشش معمار با سابقه و برجسته‌ای به نام «عبدالله‌خان معمارباشی» توسعه یافت و بناهای جدید در آن احداث شد.

در هسته مرکزی شهر اندک‌اندک بازار تهران شکل نهایی به خود گرفت و راسته بازارها، تیمچه‌ها، کاروانسراها و سراهای متعدد ایجاد شد. به این ترتیب تهران سیمای شهرهای سنتی ایران را یافت و توسعه جدید و مهاجرت‌های بسیار پدید آمد.

تهران دوره پهلوی: در سالهای آغازین سلطنت رضا شاه که پویش شهرنشینی شکل تازه‌ای به خود گرفته بود، جمعیت شهر تهران بار دیگر رو به فزونی نهاد. از این رو دست اندرکاران به فکر گسترش بناهای شهر افتادند. در سال ۱۳۰۹ شهردار وقت که خواهان نوسازی و توسعه شهر تهران بود، بدون توجه به اهمیت تاریخی حصارها، برج و بارو و دروازه‌ها، آنها را ویران کرد. اما محله‌های پیرامون این دروازه‌ها باقی ماند. از میان محله‌های باقی مانده می‌توان محله سنگلج، چال میدان، خانی‌آباد، گود زنبورک خانه، پاچنار، دروازه قزوین، عودلاجان و... را نام برد.

صنایع دستی استان تهران

صنایع دستی استان تهران با توجه به بافت اجتماعی و تنوع قومی، به سه دسته شهری، روستایی و عشایری تقسیم می‌شود.

عمده ترین صنایع دستی استان را قلم زنی روی مس و برنج، خراطی و سبدهافی، خاتم کاری، شیشه گری، تراش و نقاشی روی

شیشه، زیلو بافی، نقاشی روی چرم، قالی بافی، سفالگری و چاپ باتیک تشکیل می دهد. رشته های مورد اشاره فاقد سابقه طولانی در منطقه هستند و دست اندرکاران اکثر رشته های صنایع دستی عمدتاً از شهرستانهای دیگر به تهران مهاجرت کرده اند. به طور مثال، ساخت مصنوعات خاتم و قلم زنی را به طور عمده، صنعتگران شیرازی و اصفهانی انجام می دهند. بیشتر خراطان این صنایع نیز اهل دزفول هستند.

صنایع دستی روستایی به طور عمده خانگی و غیر دائمی هستند و فعالیتهای عمده آنها را قالی بافی، سفالگری، حصیربافی، گلیم بافی (منجمله ورنی بافی) و دستبافی تشکیل می دهد.

صنایع دستی عشایری قدیمی ترین نوع صنایع دستی استان است که تولید آن عموماً به طور خانگی و فصلی انجام می پذیرد. این نوع از صنایع دستی، با توجه به ترکیب قومی منطقه، در میان صنایع دستی استان جایگاهی ویژه دارد و هم اینک یکی از نقاط برجسته و مثبت صنایع دستی استان محسوب می شود. دست اندرکاران این بخش از دست ساخته های ایرانی که بافت انواع قالی و قالیچه، ورنی، جاجیم و گلیم، چننه، رویه پستی، جوال، خورجین و نیز رنگرزی و ریسندگی پشم را در انحصار خود دارند، گروهی از عشایر لر، قشقایی، شاهسون و... هستند که در دهه های اخیر از زادگاه خود به تهران، ری، ورامین و حومه کرج مهاجرت کرده اند.

روکاری (رودوزی):

اصطلاح روکاری معمولاً به آن گروه از تولیدات دست ساز اطلاق می شود که طی آن دختران و زنان روستایی با استفاده از سوزن یا قلاب و به کمک نخهای رنگین، برروی پارچه نقشها و طرحهای اصیل و سنتی را پدید می آورند. رودوزیهای ایرانی کلاً قابل تقسیم به سه دسته است:

- ۱_ گونه ای که زمینه اساسی پارچه را سراسر بخیه می پوشاند تا زمینه تازه ای از رنگ و نقش پدید آید مانند سوزندوزیهای بلوچ و قلابدوزی رشت و پته دوزی کرمان.
- ۲_ گونه ای که برروی پارچه نقش چندانی دوخته نمی شود بلکه با عبور نخهای رنگین از لابلای تاروپود پارچه و دوختن این الیاف به یکدیگر پارچه ساده حالتی مشبک و رنگین بخود می گیرد مانند سکه دوزی قلابدوزی اصفهان.

۳_ گونه‌ی‌ی که در آن زمینه پارچه به رنگ اصلی باقی مانده و به کمک الیاف دارای روکشهای فلزی، نقوش متنوعی بر روی پارچه دوخته می شود مانند ده یک دوزی (که در حال حاضر منسوخ شده) نقده دوزی، تافته دوزی، خوس دوزی و زردوزی که گلابتون دوزی نامیده می شود.

انواعی از رودوزی در شهر تهران رواج دارد و منجمله قلاب دوزی، قلاب بافی و گلدوزی از جمله رودوزی های رایج در شهر تهران است.

قالی بافی تهران:

در بین صنایع دستی رایج در استان تهران بافت قالی و قالیچه گستردگی فوق العاده چشمگیری دارد و هم اینک به صورت حرفه ای خانگی تقریباً در تمام نقاط روستایی استان رایج می باشد و به طوری که از آمار برمی آید قالیبافی در مناطق غیر شهری کرج، دماوند و شمیرانات دایر بوده است و این رشد شتابناک دلیل برجا بازکردن صنایع دستی به عنوان یک عامل مکمل اقتصاد کشاورزی در جوامع روستایی می تواند باشد.

گره رایج در قالیبافی استان تهران گره فارسی است که در آن خامه از کناره یک نخ تار به عقب رفته و پس از گره زدن نخ تار جنبی از میان دو تار بیرون آمده و سفت می شود اما اکثر کسانی که ظرف سالهای اخیر به قالیبافی روی آورده اند از گره ترکی که مختص قالیبافان ترکمن، آذربایجانی، همدانی و ... است استفاده می کنند.

گفتنی است که در شهر تهران تعدادی از طراحان هنرمند و نیز هنرمندان قالی باف نیز به فعالیت می پردازند که آثار بسیار نفیس و باارزشی نظیر چهره بافی، تابلو بافی، آثار حجمی و قالیچه های با کیفیت بالا از لحاظ طرح و نقش و بافت را پدید می آورند. صنعت دستی دیگری که بویژه در مناطق روستایی استان تهران دارای سابقه تولید است و در گذشته گروههای کثیری نیز به آن اشتغال داشته اند بافت انواع گلیم نقش دار و مخطط است.

جاجیم بافی:

منطقه فیروزکوه به دلیل کوهستانی بودن و از آنجا که دارای مراتع سرسبز و قهراً گله داری و دامپروری گسترده ای است یکی از مراکز تولید پشم ایران محسوب می شود و جاجیم های تولیدی آن نیز دارای معروفیت خاصی است. جاجیم های تولیدی و روستاهای فیروزکوه به دلیل نزدیکی منطقه با مازندران کاملاً تحت تأثیر دستبافی آلاشت و شبیه پارچه های آلاشت است با این تفاوت که عرض جاجیم های تولیدی از ۲۵ سانت تجاوز نمی کند. گروهی از عشایر قشقایی ساکن در

روستای قجرتخت رستم نیز در گذشته به تولید جاجیم هایی بسیار نفیس اشتغال داشته اند ولی در حال حاضر اکثراً به دلیل جاذبه های اقتصادی بهتر قالیبافی جذب این حرفه شده اند.

در روستای کوهان از توابع دماوندعه ای به تولید جاجیم اشتغال دارند که بافته هایشان دارای عرض ۲۵ سانت می باشد. چادرشب بافی:

پریشینه ترین صنعت دستی رایج در منطقه روستایی استان تهران بافت چادرشب در اندازه های مختلف و برای مصارف متفاوت است که به صورت حرفه ای خانگی هم اینک در روستاهای کوهان و گیلان (از توابع شهرستان دماوند) جریان دارد و دست اندرکاران آن که عمدتاً زنان و دختران خانه دار هستند با بهره گیری از دستگاههای چوبی ساده محصولاتی بسیار نفیس و ظریف که دارای طرحهای راه راه و پیچازی به رنگهای زرد، قرمز، سبز، بنفش، نارنجی، قهوه ای، نیلی و ... است تولید می کنند. نمد مالی:

از جمله صنایع پریشینه دیگری که در مناطق روستایی استان تهران رواج داشته ولی در حال حاضر تقریباً منسوخ شده صنعت نمد مالی است. این حرفه که در گذشته گروه کثیری از ساکنان مناطق روستایی استان تهران به ویژه سکنه روستایی طالقان، ورامین و عشایر اسکان یافته در شهر ری و شهریار به آن اشتغال داشته اند به علت پائین بودن میزان تقاضا و دشواری کار و بالا رفتن قیمت مواد اولیه در سالهای اخیر کلیه دست اندرکاران خود را از دست داده و هم اینک فقط تعداد معدودی از عشایر هنگامی که به مراتع حومه سد لار (در منطقه شمیرانات) کوچ می کنند مقدار محدودی نمد برای مصارف شخصی تولید می نمایند.

در روستای کش (از توابع طالقان) هنوز نشانه هایی از تولید این محصول به چشم می خورد و نمدمالان در صورت دریافت سفارش گاهی اقدام به تولید نمی کنند. در منطقه امامزاده جعفر (از توابع ورامین) که در گذشته یکی از عمده ترین مناطق تولید نمد در استان تهران بود از چند سال قبل به این سو فعالیت ها رو به کاهش گذاشته است. زیلوبافی:

در منطقه ورامین بافت زیلوهای نامرغوب و ارزان قیمت رواج بالنسبه گسترده ای دارد به طوری که در قشلاق داودآباد، باقرآباد، گرگ تپه، قرچک و خیرآباد زیلوبافی دایر است و گروهی از تولیدکنندگان غیربومی با بهره گیری از دستگاههای بافندگی دستی سرگرم کار هستند.

سفالگری و سرامیک سازی:

قسمتهای جنوبی سلسله جبال البرز به ویژه بخشهای جلگه ای استان (نظیر دشت ورامین و ری) که حاصل رسوبات آبرفتی رودخانه های جاجرود و کرج است دارای طبقات رسی است که همین مسئله موجبات رشد و رونق صنعت سفالگری و آجرپزی در این ناحیه را از سالهای پیش باعث شده و وجود کوره های متعدد آجرپزی در این ناحیه را از سالهای پیش باعث شده و وجود کوره های متعدد آجرپزی در حومه ری و ورامین دلیل خوبی بر مرغوبیت خاک در این منطقه جهت سفالگری می باشد. تولیدات عموماً بدون لعاب هستند ولی به لحاظ مرغوبیت خاک منطقه دارای شفافیت و ویژگی خاصی هستند. اما در شهر تهران کارگاههای متعدد سفالگری و نیز هنرمندان سفالگر بسیاری که آثارشان را به ویژه از طریق گالری ها و نمایشگاهها به فروش می رسانند و در دو سالانه های سفالگری هم شاهد آثار بارزش آنان هستیم به فعالیت می پردازند. گفتمنی است که برخی از هنرمندان سفالگر در حدود شهر ری و نیز مهرشهر کرج و بعضاً در محل اقامت خود در شهر تهران به تولید انواع محصولات سفال و سرامیک می پردازند.

تهران

وضعیت جغرافیایی :

شهر تهران در دامنه جنوبی کوههای البرز و حاشیه شمالی کویر مرکزی ایران و در دشتی نسبتاً هموار واقع شده است که شیب آن از شمال سمت جنوب میباشد . و به وسیله دو رود اصلی کرج در غرب و جاجرود در شرق به همراه رود های فصلی جعفر آباد یا همان دربند - دارآباد - درکه - کن که همگی از شمال به جنوب جریان دارند مشروب میشود. شهر تهران از نظر جغرافیایی در ۵۱ درجه و ۳۳ دقیقه طول غربی و ۳۵ درجه و ۳۶ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۴۴ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته و ارتفاع آن در جنوب ۱۱۰۰ - در نواحی مرکزی ۱۲۰۰ - در شمال ۱۷۰۰ متر از سطح دریا میباشد .

تهران دارای آب هوای گرم و خشک است و فقط نواحی شمالی آن که در دامنه های کوهستانی البرز واقع شده است اندکی معتدل و مرطوب است. هوای تهران در تابستان گرم و خشک و در زمستان معتدل و گاه سرد است. حداکثر دمای ثبت شده حدود ۴۴ و حداقل ۲۰- و متوسط سالیانه ۱۷ درجه سانتیگراد می باشد . و میزان بارندگی سالانه آن ۲۰۰ تا ۴۰۰ میلی متر است و از نظر زمین لرزه جزو مناطق پر زیان محسوب میشود .

تاریخچه شهر تهران (همراه عکس)

نام تهران برای نخستین بار در یکی از نوشته های تئودوسیوس یونانی در حدود اواخر سده دوم پیش از میلاد به عنوان یکی از توابع ری ذکر گردیده، قدیمی ترین سند فارسی موجود درباره نام تهران نشان میدهد که تهران قبل از سده سوم هجری قمری

وجود داشته است، زیرا نویسنده ای بنام ابو سعد سمعانی در کتاب خود از شخصی بنام ابوعبدالله محمد ابن حامد تهرانی رازی نام میبرد که اهل تهران ری بوده و در سال ۲۶۱ هجری قمری برابر ۸۷۴ میلادی در گذشته است.

ابوالقاسم محمد ابن حوقل به سال ۳۳۱ هجری قمری در توصیف شهر تهران نوشته است که : «تهران در شمال شهر ری واقع شده است و دارای باغهای فراوانی است و میوه آن بسیار متنوع است.»

ابواسحاق استخری در کتاب المسالك و الممالك به سال ۳۴۰ هجری قمری درباره تهران به تفصیل سخن گفته است و ابن بلخی در کتاب خودش به نام فارسنامه که حدود سال های ۵۰۰ هجری قمری نوشته است از آثار تهران سخن به میان آورده است .

نجم الدین ابوبکر محمد ابن علی ابن سلیمان راوندی در کتاب معروف خویش به نام راحة الصدور به سال ۵۹۹ هجری قمری روایت کرده است که مادر سلطان ارسلان سلجوقی که در سال ۵۶۱ هجری قمری از ری قصد عزیمت به نخبوان را داشت در نزدیکی تهران فرود آمد و در همان ایام خود سلطان نیز در دولا ب که ناحیه ای در جنوب خاوری تهران است اقامت داشت. در زمان پادشاهان صفوی کم کم تهران شهرتی پیدا کرد و آبادی و رونق این شهر به ویژه در دوره سلطنت شاه طهماسب اول آغاز گردید. چون جد اعلای صفویه به نام امامزاده حمزه مجاور بقعه حضرت عبدالعظیم در شهر ری مدفون بود از این رو سلاطین مزبور هرچند گاه برای زیارت قبر جدشان به تهران می آمدند.

شاه طهماسب اول گذشته از این ، به علت وجود آبهای گوارا و باغهای فراوان و شکارگاههای مناسب اطراف شهر تهران را دوست میداشت و به مرور در این محل به سکونت های تقریباً طولانی می پرداخت ، به حدی که دستور داد دور شهر را برج و باروی مقاومی و بناهای تازه و کاروانسراها در داخل آن بنا کنند ، به همین مناسبت در سال ۹۶۱ هجری قمری حصارى به دور شهر بنا نهادند که از چهار دروازه و ۱۱۴ برج به تعداد سوره های قرآن تشکیل می یافت و مصالح آن را از معادنی تامین کردند که بعدها به چاله میدان و چاله حصار موسوم گردید. حدود بارویی که به فرمان شاه طهماسب اول به دور شهر کشیده شد تقریباً ۶ هزار قدم و بشرح زیر بود:

از سمت جنوب خیابان مولوی فعلی

از سمت شرق خیابان ری فعلی

از سمت غرب خیابان شاهپور

از سمت شمال خیابان های امیر کبیر و سپه

و محوطه ارگ با داشتن حصار مخصوص و خندق جداگانه در وسط شمالی شهر قرار داشت .

از چگونگی محلات و موقعیت آنها چنین بر می آید که قسمت مغرب و شمال غربی شهر داخل باروی عهد شاه طهماسب غالباً باغستان بوده و خانه های مسکونی بیشتر در عودجالان و چاله میدان قرار داشته است و قسمت بازار محل کسب و کار بازرگانان و پیشه وران آن زمان بوده است. شاه عباس اول نیز تا چندی به پیروی از شاه طهماسب همین رویه را تعقیب کرد و به آبادانی تهران همت گماشت و دستور داد باغ بزرگی به نام چهار باغ در تهران احداث کنند و ساختمانی برای سکونت موقتی خاندان سلطنتی بنا نهند.

در سال ۱۲۰۰ هجری قمری تهران برای اولین بار توسط آغا محمد خان قاجار به عنوان پایتخت انتخاب گردید. در زمان آقا محمدخان قاجار تنها به ساختن عمارت تخت مرمر اکتفا گردید ولی در زمان فتحعلی شاه محلات جدید و ساختمانهای تازه چندی در تهران ایجاد گشت که از آن جمله بنای مسجد شاه - مسجد سید عزیز الله - مدرسه مروی - قصر قاجار - نگارستان و لاله زار را میتوان نام برد.

در زمان محمد شاه محله ای بنام عباس آباد در جنوب بازار و یک باغ و ساختمان بزرگتر نیز به نام عباس آباد در شمال تهران (عباس آباد کنونی) و محله دیگری به نام محمدیه که سابقاً میدان پاتقاق نامیده میشد بر محلات دیگر افزوده شد و آب رودخانه کرج را بوسیله نهری بنام نهر کرج به تهران منتقل ساخت. و همچنین احداث باغ داودیه (محله فعلی داودیه) و بخشی از بنای مسجد جمعه و بازار بین الحرمین از جمله آثار زمان محمد شاه میباشد. در زمان سلطنت ناصرالدین شاه به همت امیر کبیر تاسیساتی چون مدرسه دارالفنون، بازار امیر، بازار کفاشها، سرای امیر پدید آمد.

در سال ۱۲۷۵ هجری قمری برای اولین بار برای تهران نقشه تهیه گردید. در سال ۱۲۸۴ هجری قمری نقشه جدید تری از تهران با همکاری مهندسین فرانسوی تهیه شد. و اراضی جدیدی را داخل محدوده شهر نمودند و شهر را بوسیله خندقها و بارو های جدید به شکل هشت ضلعی محدود ساختند و ارتباط شهر با خارج را بوسیله دوازده دروازه به نام های دروازه های شمیران، دولت، یوسف آباد، دوشان تپه، دولاب، خراسان، باغشاه، قزوین، گمرک، حضرت عبدالعظیم، غار و خانی آباد تامین نمودند . علاوه بر دروازه های دوازده گانه بالا که تا سال ۱۳۰۹ شمسی همچنان پا برجا بود، پاره ای بنا ها و باغها. محلات دیگر در زمان سلطنت ناصر الدین شاه ایجاد گردید که بعضی از آنها هنوز پابرجاست و از بقیه جز نامی باقی نمانده است. که میتوان به شرح زیر نام برد :

باغ و کاخ گلستان، باغ و کاخ صاحب قرانیه، باغ و قصر سلطنت آباد، باغ و عمارت بهارستان (واقع در میدان بهارستان فعلی)، مدرسه و مسجد سپهسالار، پارک میرزا علی خان امین الدوله، باغ و عمارت مسعودیه (محل سکونت مسعود میرزا فرزند ناصرالدین شاه)، باغ و عمارت علی قلی خان مخبرالدوله (میدان مخبرالدوله فعلی)، پارک اتابک (محل سکونت میرزا علی اصغر خان اتابک صدر اعظم و محل فعلی سفارت روسیه)، باغ حسن آباد (از آثار میرزا حسن خان مستوفی الممالک و میدان حسن آباد فعلی)، باغ و عمارت امیریه (متعلق به امیر کبیر کامران میرزا فرزند ناصرالدین شاه و محل فعلی خیابان امیریه)، باغ و عمارت منیریه (محل سکونت منیر السلطنه مادر کامران میرزا و محله منیریه فعلی)، باغ فرمانفرما (فرمانیه فعلی)، باغ و عمارت کامران میرزا (محله کامرانیه فعلی)، بقعه معروف به سر قبر آقا (مدفن سید زین العابدین امام جمعه داماد ناصرالدین شاه)، میدان امین السلطان (هنوز هم به همین نام برقرار است)، باغ فردوس (محله کنونی باغ فردوس تجریش که به وسیله معیر الممالک ساخته شد)، بنای شمس العماره، بازار آهنگرها، مسگرها، بازارچه های مروی و نایب السلطنه و محله سنگلج، خانی آباد، قنات آباد، پاچنار، گود زنبورکخانه و بازار بزرگ.